

حمایت همه جانبه از پزشکیان

وقتی ظریف کُت‌اش را درآورد

صفحه ۲



نگاهی به حضور دختران نامزدهای انتخابات

این

سه‌زن...

صفحه ۲

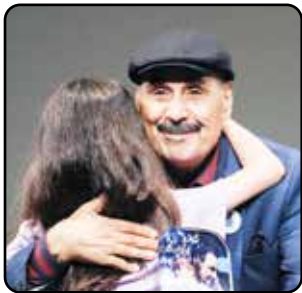


بغض و خاطر‌های شنیده‌نشده مجیدقناد

بزرگداشت

بزرگ مرد کودک

صفحه ۲

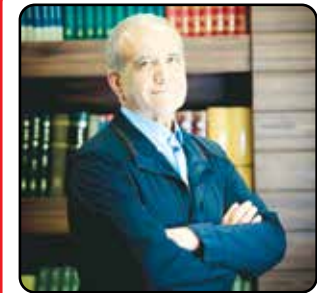


پزشکیان در حوزه سیاست خارجی چه می‌کند؟

برای ایران

«تعهد می‌دهم»

صفحه ۱



یارانه بیشتر بگیرید، تورم بالاتری را تجربه خواهید کرد

سراب افزایش یارانه

صفحه ۵



سرمقاله

مرتضی عزتی



ادامه مسیر اقتصادی دولت سیزدهم، توسعه فقر همگانی

یکی از راه‌های شناخت اثرات انتخابات بر آینده اقتصاد کشور، شناخت اثر حاکمیت‌رویکردهای مختلف بر اقتصاد کشور است. بی شک عملکرد آینده می‌تواند از تجربه حاکمیت هر رویکرد در گذشته شناخته شود. نزدیکترین روش‌ترین تحلیل عملکرد برای دولت جاری قابل انجام است. اقتصاد و معیشت در سالهای اخیر دغدغه اصلی بسیاری از مردم ایران شده است. نگاهی به مسیر دولت سیزدهم در تنظیم امور خود بر پایه فشار بر دوش مردم می‌تواند نشان‌دهنده خوبی برای آثار تداوم مسیر دولت سیزدهم بر اقتصاد و معیشت مردم باشد.

۱. تومی که از زمان جنگ جهانی دوم تا کنون سابقه نداشته است.

یکی از شاخص‌های ارزیابی فشارهای اقتصادی بر مردم، تورم است. تورم در صورتی که افزایش درآمدها به تناسب آن رخ ندهد، موجب کاهش قدرت خرید مردم و فشار بر دوش آنها خواهد شد. در طول تاریخ آمارهای تورم ایران، هیچ‌گاه جز زمان جنگ جهانی دوم و اشغال ایران، سابقه نداشته است ۳ سال پیدریی تورم ایران بالای ۴۰٪ باشد. ارقام منتشر شده رسمی به خوبی نشان می‌دهد تنها در طول دو سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ حدود ۳۰٪ قدرت خرید حقوق‌بگیران کاهش یافته است. این کاهش قدرت خرید را همه حقوق‌بگیران ثابت احساس می‌کنند. هیچ شکی نیست، عامل اصلی ایجاد تورم نیز اقدام‌ها و سیاست‌های حکومتی و دولتی است: سیاست‌ها و اقدام‌هایی مانند انتشار پول، استقراض و خلق نقدینگی، افزایش قیمت‌های در اختیار دولت و یا همچون اینها که در سال‌های اخیر اثرات منفی شدیدی بر اقتصاد داشته است و فشار اصلی آن بر دوش مردم و به ویژه طبقات کم درآمد و متوسط و تولیدکنندگان است.

ادامه درصفحه ۲

خبر

ابلاغ قانون بر نامه هفتم تا قبل انتخابات

سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم توسعه با بیان اینکه قانون برنامه هفتم تا قبل از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری ابلاغ می‌شود، گفت: مجمع تشخیص مصلحت در جریان بررسی موارد اختلافی بین مجلس و شورای نگهبان، معافیت سربازی برای مشمولان با حداقل ۳۵ سال سن و حداقل دو فرزند را تصویب کرد.

به گزارش ایسنا، محسن زنگنه در حاشیه جلسه علنی امروز در جمع خبرنگاران گفت: روز گذشته آخرین جلسه مجمع تشخیص مصلحت برای رفع موارد اختلافی بین مجلس و شورای نگهبان درباره مصوبات برنامه هفتم برگزار شد و مجمع تشخیص موارد مربوط به برنامه هفتم را تمام کرد. وی افزود: بر این اساس در هفته جاری شورای نگهبان مصوبات برنامه هفتم را اعلام کرده و تلاش می‌شود تا قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری قانون برنامه هفتم ابلاغ شود. این نماینده مجلس بیان کرد: اینکه اکنون موضوع متناسب‌سازی حقوق پانزشتگان اجرا نشده، به دلیل عدم ابلاغ قانون برنامه هفتم بوده است؛ با ابلاغ برنامه هفتم شاهد اجرای متناسب‌سازی حقوق پانزشتگان به میزان ۴۰ درصد سال اول برنامه هفتم خواهیم بود. زنگنه گفت: یکی از مواردی که مجمع تشخیص روز گذشته به آن پرداخت و تصویب کرد، درباره معافیت سربازی مشمولان با حداقل ۳۵ سال سن و دارای حداقل دو فرزند است، البته نباید این افراد غیبت داشته باشند. در این صورت این مشمولان از سربازی معاف خواهند شد. سخنگوی کمیسیون

تلفیق برنامه هفتم همچنین اظهار کرد: مجمع تشخیص بدهای پ و ت ماده ۱۶ لایحه برنامه هفتم درخصوص تشکیل هیات عالی مولدسازی را مغایر با سیاست‌ها شناخت، لذا مقرر شد مجلس و دولت طرح یا لایحه‌ای در این باره تهیه کرده تا هیات مولدسازی یا مکانیسم‌ها، شاخص‌ها و فرآیندهایی به صورت قانونی تشکیل شود. وی افزود: مجمع تشخیص واگذاری مایدین نفتی صندوق توسعه برای استخراج و عملیات نفتی در صنایع بالادستی را نیز مغایر با سیاست‌های ابلاغی تشخیص داد. زنگنه اضافه کرد: برخی از مصوبات مجلس درباره بانک‌ها نیز به دلیل تصویب قانون بانک مرکزی در مجمع تشخیص رد شد و تمامی احکامی که به نوعی در آنها مولدسازی شرط بود، مغایر با سیاست‌ها اعلام شد. زنگنه بیان کرد: قرار شد این موارد در قانون دائمی مورد بررسی قرار گیرد از جمله ماده ۱۱۶ که در آن سازمان زندان‌ها مکلف شده بود با مولدسازی زندان‌های داخل شهرها را به خارج از شهرها منتقل کند؛ این موضوع نیز مغایر با سیاست‌های کلان شناخته شد. سخنگوی کمیسیون تلفیق برنامه هفتم در پایان ابراز امیدواری کرد که با ابلاغ شورای نگهبان و مجلس شاهد عملیاتی شدن برنامه هفتم باشیم.

یادداشت

ظاهر جمشیدزاده

ما مردم همگی آگاهی دچار فشار روانی می‌شویم. دانشجویها وقتی رابطه‌شان با هم اتاقیشان به هم می‌خورد و وقتی مجبور می‌شوند دست به انتخاب گرایش تحصیلی بزنند یا موقع امتحان‌ها ممکن است گرفتار فشار روانی شوند. جامعه امروزی بشر که دستخوش تحولات سریع است برای بسیاری از مردم فشارهایی در بر دارد. پیوسته با فشار ناشی از اجبار به انجام دادن کارهای بیشتر و بیشتر در فرصت‌های کوتاه و کوتاه‌تر روبه رو می‌شویم؛ مسئله‌های آلودگی هوا، آلودگی صوتی، راه‌اندازن جرم، جنایت، کار و فعالیت های طاقت فرسا در زندگانی روزمره، روز به روز بیشتر می‌شود. علاوه بر این‌ها، باید با رویدادهای پر تنش و پرفشاری از قبیل مرگ پدر یا مادر یا فاجعه‌های طبیعی هم مواجه روبه‌رو شد. فشار روانی می‌تواند موجب هیجان‌های ناخوشایندنی نظیر اضطراب یا افسردگی

و همچنین بیماری‌های جسمانی عمده و کوچک هم بشود. در عین حال مردم در توان و خودبنداره ی شخص و یا واکنش‌های گوناگون از خود نشان می‌دهند. یعنی در برابر رویداد تنش زای واحد بعضی‌ها گرفتار اختلال‌های وحیم روانی یا جسمانی می‌شوند؛ در حالی که مردمان دیگری در برابر همان رویداد نه تنها دچار هیچ نوع اختلالی نمی‌شوند، بلکه چنین رویدادی را فرصتی خواستنی برای چالش معیشتی دیگر همه مردم درباره فشار روانی یا فشار حرف می‌زنند. رسانه‌های همگانی رفتار غیر عادی یا بیماری‌های غیر عادی را زاینده فشار روانی یا به عنوان فروپاشی روانی ناشی از تنش‌ها معرفی می‌کنند. برای مثال، وقتی آدم اسم و رسم داری دست به خودکشی می‌زندی می‌گویند زیر بار فشارهای زندگی به زانو درآمده است. دانش آموزان و دانشجویان در مدرسه و دانشگاه درباره میزان فشار روانی یکدیگر صحبت می‌کنند و سخن از بار فشارها دارد مرا خرد می‌کند میان مردم رواج دارد. به طور کلی هنگامی صحبت از فشار روانی یا استرس به تنش‌ها که شخص با رویدادی مواجه شود که خودش آن را برای سلامت جسم یا روانش مخاطره آمیز بداند. این قبیل رویدادها را معمولا رویدادهای تنش زا یا استرس زا و واکنش‌های مردم را به آنها پاسخ های تنش زا می‌نامند؛ رویدادهایی هست که اکثریت مردم آنها را تنش زا به حساب می‌آورند. هنگامی

سعه صدر پزشکیان در مقابل تقابل و خوداندیشی

که بتوان از فشار روانی دور شد یا با آن حمله برد چنین واکنشی سازگارانه است؛ اما وقتی فشار روانی مستمر و غیر قابل کنترل باشد این واکنش ممکن است ناسازگارانه بشود، فشار روانی هم به صورت مستقیم و هم غیر مستقیم بر سلامت تاثیر می‌گذارد. رویدادهایی که موجب تنش می‌شوند بی‌شمار هستند. بعضی از آنها تغییرات عمده‌ای هستند که بسیاری از مردم را در صورت هم‌زمان گرفتار می‌کنند از قبیل جنگ، سوانح هسته‌ای و زلزله، دسته دیگری از تنش‌زاها تغییرات بزرگ و عمده زندگی هستند نظیر انتخابات شورای اسلامی و به ویژه ریاست جمهوری در ایران، جدایی وطن، تغییر شغل، ازدواج، از دست رفتن دوست و بیماری‌های وحیم؛ گرفتاری‌های روزمره را نیز بخشی از مردم به صورت رویداد تنش زا تجربه می‌کنند. مانند گردن کردن کیف دستی، گیر افتادن در راه‌بندان، بحث و جدل کاندیداهای چهاردهمین دوره ریاست جمهوری کشور یا هم در تلوزیون و نظایر آن؛ به جز این‌ها ممکن است خاستگاه فشار روانی در افراد منظره کننده که در بالا گفته شد به صورت انگیزه‌ها یا خواسته‌های متعارض باشد. رویدادهایی که تنش زا تلقی می‌شوند معمولا در یک یا چند مقوله زیر قرار می‌گیرند: رویدادهای آسیبی فراتر از چهارچوب تجربه‌های عادی زندگی، رویدادهای مهار نشدنی، رویدادهای پیش بینی ناشدنی، رویدادهایی که پیشینه توان و خودبنداره ی شخص و یا واکنش‌های درونی را فراموش می‌توانند؛ سه ویژگی می‌تواند ر مناظره‌های تلوزیونی و بحث و جدل کاندیدها با یکدیگر موجب تنش زا به شمار آمدن رویدادها باشد؛ مهار شدنی بودن، پیش بینی پذیری و میزان فراخوانی نهایت توانایی‌ها و خودبنداره ی شخص؛ این هم هست که میزان تنش زایی هر رویداد معین برای مناظره‌های گوناگون و کاندیداهای دارای افکار مخالف هم، نیز یکسان نیست. این معنا که کاندیدها از لحاظ ارزیابی میزان خواستنی نبودن تحولات اثربخش و خیرمند در تفکر منبسط و فراخ و ویژگی‌های سه گانه یاد شده در رویدادها اما در مناظره‌ها با یکدیگر تفاوت دارند و عمدتاً همین ارزیابی‌ها است که رویدادها را تنش زا می‌سازد و مردم و بینندگان قضاوت کنندگان بسیار خوبی هستند و کسانی که بیشترین تعارض ها و تنش‌ها را ایجاد کرده و موجبات ناراحتی و تهمت و افترا و برجسب زدن به اشخاص می‌شوند را به راحتی پس می‌زنند و با بیع حزب و قول و وعده‌ای آن کاندید را پذیرش و قبول نمی‌کنند. خشم، واکنش رایجی است به موقعیت تنش‌ها که می‌تواند به پرخاشگری هم بیانجامد. بررسی‌های آزمایشگاهی نشان داده بعضی جانوران در برابر تنش‌زاهای گوناگون همچون ازحام، ضربه برقی و عدم دریافت غذایی که انتظارش را کشیده‌اند پرخاشگری نشان می‌دهند. جعبه برقی به هر یک از دو جانوری که با هم در قفس واحدی هستند موجب می‌شود

ضرورت تغییر

و گردش‌های مدیریتی استقبال می‌کند و پویایی و شکوفایی و پیشرفت‌ها را در ضرورت همین تغییرات می‌بیند؛ اما، مدیر منجمد و متعصب از تغییر هراسان می‌باشد و افول و انحطاط جامعه برای چنین مدیرانی قابل درک و فهم نیست. جهان و جامعه و زندگی بشر پیوسته در سیالیت و دگرگونی و تبدیل و تحول است؛ انجماد و انسداد فکری، نخستین عامل ویران‌گر زندگانی انسانی است. بنابراین، ریشه ی بدون تفکر ژرف و اثربخش، خیرمند در تفکر منبسط و فراخ و منفعل است. به تعبیر دیگر، تفکر باز و گشوده با تفکر بسته و وابسته هرگز یکسان نیست؛ اولی، درها و راه‌ها و افق‌ها و امیدها را می‌بندد و مسدود می‌کند. در حالیکه دومی درها و راه‌ها و افق‌ها و امید‌ها را می‌گشاید. تفکر و انتخاب تفکر و نیل به یک تفکر، چنین اثری در امور و مسائل زندگی انسان و جامعه آدمی دارد. آیا بستگی‌ها و تنگ نظری‌ها، با گشایش‌ها و رهایش، یکسان است ؟ اگر به تفکر و تغییر باز باور نداشته باشیم، هیچگاه موقعیت و شرایط ما بهتر نخواهد شد. بهتر و نیکتری ریشه در تفکرات و پذیرش تغییرات و تصمیم به تحولات دارد. آندک سیاسی ولی بدون تفکر ژرف و اثربخش، می‌مانند « عمروعاص » می‌شود، یا مثل «ابوموسی اشعری»، می‌گردد. آدم بدون تفکر و تعقل، فقط افسانه سازی می‌کند و از واقعیات می‌گریزد. اندکی بیاندیشیم، آیا مدیریت فرهنگی بدون داشتن تفکر فرهنگی امکان‌ امکان پذیر است ؟ آیا مدیریت محیط زیست، بدون داشتن تفکر زیست سلامت امیز ، امکان پذیر است ؟ آیا تغییر کیفی و کمی

امور و سروسامان‌ها حل مشکلات، بدون توان تفکر و ژرف اندیشی ممکن است؟ آیا بهتر شدن اوضاع با تفکر و انواع تفکرات ارتباط وثیق ندارد؟ پیشرفت و ترقی حاصل کدام تفکر است؟ فلاکت و بدبختی در دوران سختی، حاصل کدام تفکر است؟ بیابید بعنوان شهروندان اندیشه ورز، یک بار بطور جدی و عمیق، ویژگی‌های تفکرات حاکم بر جوامع و ایران را در این چند قرن اخیر مورد مطالعه و ژرف نگری قرار بدیم؟ آیا رنسانس نتیجه فکر جامد و بسته قرون وسطی ست؟ آیا پیشرفت کشورهای آسیایی مثل ژاپن حاصل تفکر منجمد و منقبض گذشته است؟ مهمترین و سخت‌ترین کار در زندگی امروزی، داشتن توان تجزیه و تحلیل و قدرت تفکیک و تشخیص و تفکر کارآمد است.

یعنی، پاسخ به این دو سؤال « آیا بدون تفکر و عقلانیت می‌توان اساساً زندگی ساخت و زندگی بهتری داشت؟ و پرسش دوم، کدام تفکر ما را در زندگی درست راه می‌برد؟ یعنی کدام تفکر منطقی و کارآمد است ؟ پس، از تغییر گریزی نیست ، انکار تغییر، انکار آفتاب است. اما سؤال این است که تغییر ریشه دار و کارآمد کدام تغییر است؟ تغییر مثبت و واقعی وابسته به پاسخ درست این دو سؤال است. اگر تفکر اصیل و اثربخش (کتاب، تفکرات‌بخش) که بتواند تکیه‌گاه محکم و استواری و ثمربخش برای سایر تغییرات باشد، ضروری ترین کار امروز بشر و شهروندان عزیز ایرانی همین خواهد بود. شرط نخست تصمیم به تغییر، تقویت تفکر و خردورزی است. تغییر از رهگذر تفکر اصیل و اثربخش امکانپذیر است.

یادداشت

محمدعلی نویدی



منظور از ضرورت، لازم عقلی و فلسفی است که مشعر بر وجوب و لزوم می‌باشد. اما، ضرورت عقلی بخودی خود و جدا از ضرورت عینی و واقعی رساننده معنای ناقص و بی اثر است؛ بنابراین، ضرورت هم شامل لزوم و نیاز عقلی و ذهنی و هم شامل لزوم و نیاز عینی و اثری است. ریشه این گونه ضرورت‌ها و حاجات

به متن زندگی و خاصیت زندگانی انسانی بر می‌گردد. لذا، ویژگی چنین ضرورتی، ناگزیری و ناچاری است تا اهداف و اغراض مورد نظر محقق و محصل شود. مثلاً، وقتی می‌گوییم، هرگاه امور بر اساس عقل و اندیشه و دانش سر و سامان نیابد، باعث افزایش فقر و فلاکت اجتماعی می‌شود، در این گزاره‌ها، برای پرهیز از فقر و فلاکت و پریشانی، ضرورت عقلانیت و ایتنای به دانش، آشکار و اثبات می‌شود. بنابراین، مراد از ضرورت در اینجا، عدم انفکاک و جدایی‌ناپذیری مؤلفه‌ای از مؤلفه‌ی دیگری می‌باشد، عدم جدایی‌ناپذیری عنصری و چیزی از عنصر و چیز دیگر می‌باشد. با این مقدمه، اهمیت اساسی و تعیین کننده و سرنوشت ساز « ضروریات » نمایان می‌شود. هر چیزی که به سرنوشت و زندگی انسان مربوط است، جزو ضروریات